

## آیین کنفوسیوسی: نگاهی از فراز

علی موحدیان عطار\*

و احمد شاکر نژاد\*\*

### اشاره

آیین کنفوسیوسی راهی برای زندگی است که در قرن ۵-۶ قبل از میلاد، کونگ فوزه، حکیم چینی، با نظم و نسق بخشیدن به آموزه‌ها و تعالیم کهن، آن را شکل بخشید. این آیین از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون به اشکال مختلف در چین و کشورهای همسایه آن به حیات خود ادامه داده است. برای آشنایی با آیین مذکور می‌توان رویکردها و روش‌های گوناگونی را اتخاذ کرد؛ اما در ابتدای هر بررسی، داشتن تصویری کلی از این آیین و به عبارتی دیگر اتخاذ نگاهی از فراز می‌تواند به کاوش در وجوه مختلف آن کمک نماید و به اجزای بحث پیوستگی بخشد. بر همین اساس، مقاله حاضر سعی دارد به مهم‌ترین مباحثی که در این حیطه مطرح است نظری اجمالی افکند. این کار با شرح نام و نشان این آیین، تاریخ تکون و تطور، موقعیت جغرافیایی، سیاسی، جمعیتی و اجتماعی آن شروع می‌شود؛ سپس به بارزترین جلوه‌ها و ویژگی‌های ظاهری این آیین و همچنین مناسک و اشکال دین‌ورزی و مکان‌ها و زمان‌های مقدس آن توجه می‌شود؛ در ادامه به معرفی متون مقدس آیین مذکور و فرق و مکاتب آن پرداخته و در انتها اجمالاً درباره وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده این آیین بحث می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادیان چینی، آیین کنفوسیوسی، آیین‌های قربانی، نیاپرستی، دین امپراتوری

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

\*\* پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب.

## نام و نشان

منشأ لفظ آیین کنفوسیوسی (Confucianism) را می‌توان در نوشته‌های قرن شانزدهم و هفدهم میلادی یافت. در آن زمان مبلغان یسوعی در ترجمه نام کونگ فوزه به لاتینی، از لفظ کنفوسیوس استفاده کردند. به‌نظر می‌آید پسوند ایسم (ism) بعدها و برای هماهنگ ساختن اسم این آیین با اسامی گرایش‌های دینی دیگری که در قرن نوزدهم مطالعه می‌شدند، مثل هندوئیسم، بودیسم و شیئتوئیسم، به کار رفته باشد. این لفظ به‌سرعت در میان محققان شایع شد و برای نامیدن سنت دینی-حکمی مسلط در چین و برخی دیگر از نواحی خاور دور به کار رفت.

اما لفظ «کنفوسیانیسم» چندان دقیق نیست؛ زیرا ممکن است از آن چنین برداشت شود که این مرام ساخته کنفوسیوس و یا صرفاً متضمن اعتقاد و ایمان به کنفوسیوس است؛ ضمناً مشخص نیست که این لفظ به یک مکتب اندیشه‌ورزی اشاره دارد یا یک آیین و دین. برخی معتقدند این نام‌گذاری تحت تأثیر الاهیات مسیحی انجام شده و ممکن است باعث کژتابی‌هایی در درک این آیین شود (Yao, 2003: 1/1)؛ به همین دلیل بهتر است به نام‌های این سنت در زبان چینی توجه بیشتری شود.

سنت دینی-حکمی مذکور در زبان چینی غالباً با این دو نام خوانده می‌شود:

۱. مکتب فرهیختگان (چینی: 儒家؛ بنا بر آوانوشت پین‌یین: Rújiā؛ آوانوشت فارسی: ژو جیا)؛
۲. کیش فرهیختگان (چینی: 儒教؛ بنا بر آوانوشت پین‌یین: Rújiào؛ آوانوشت فارسی: ژو جیاو).

در چین باستان، ژو (Rú) (فرهیخته) — که در دو گونه نام‌گذاری فوق آمده است — به افرادی ضعیف، سلیم‌النفس و اصالتاً اشراف‌زاده اطلاق می‌شد که منصب خود را از دست داده بودند و به تعلیم دانش‌های خود، مثل علم تاریخ، آداب و مناسک، موسیقی و... می‌پرداختند (Ching, 1993: 53). هر چند کنفوسیوس نیز چنین فردی بوده است؛ اما این‌گونه نام‌گذاری نشان می‌دهد که سرچشمه آیین مذکور تنها شخص کنفوسیوس نیست؛ بلکه قشری از افراد بوده‌اند که کنفوسیوس یکی از بارزترین آنان بوده است.

۱. تلفظ R بر اساس آوانوشت پین‌یین ما بین حرف «ر» و «ژ» در فارسی است.

نکته دیگر آن است که جیا (jiā) هرچند در اصل به معنی خانه یا خانواده است اما در این بافت معنایی به معنای مکتب فکری است، و در زبان چینی برای نامیدن مکاتب فلسفی از آن استفاده می‌شود. واژه جیاو (jiào) در اصل به معنای تعلیم یا آموزش و پرورش است؛ برای نام‌گذاری یک دین نیز از آن استفاده می‌شود. پس در زبان چینی نام مکاتب فلسفی به جیا ختم می‌شود و نام ادیان به جیاو (چو جای، ۱۳۸۶: ۹۸).

با توجه به این تمایز برخی ترجیح می‌دهند برای اشاره به مذهب رسمی‌ای که با انقلاب ۱۹۱۱ در چین از رسمیت افتاد و بی‌اعتبار گشت از عبارت «آیین کنفوسیوسی» استفاده کنند و برای نامیدن آن نوع اندیشه اخلاقی و سیاسی‌ای که کنفوسیوس عمده‌ترین سهم را در ارائه و تعلیم آن داشت عبارت «تفکر کنفوسیوسی» را به کار ببرند (Smart, 1998: 107).

### پیدایش و پویش

این آیین سابقه‌ای طولانی در چین باستان دارد و قدمت تعالیم آن به قبل از کنفوسیوس، حکیم چینی قرن ۵-۶ ق.م، بازمی‌گردد؛ اما از آنجا که کنفوسیوس به تعالیم فرزندانگان و شهریاران پیشین نظم داد و آن اندیشه‌ها را ویراست و بر مبنای آن میراث کهن، نظامی حکمی پدید آورد، او را واضع این آیین دانسته و آن را «آیین کنفوسیوسی» نامیده‌اند. کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ ق.م) که نام چینی‌اش کونگ است حدوداً شش قرن قبل از میلاد مسیح در خانواده‌ای تهی دست اما اصیل و شریف در مرکز فرهنگی چین باستان زاده شد. او در نوجوانی به فراگیری علوم و فنون مختص خانواده‌های اصیل و اشرافی پرداخت و دانش‌های باستان را فرا گرفت. کنفوسیوس همیشه بر آن بود تا منصبی حکومتی بیابد و آرمان‌شهر باستانی خود را به کمک حاکمی مقتدر بر پا سازد؛ اما علی‌رغم تلاش بسیار، در دولتمردی کامیاب نشد و بیشتر در کسوت یک مربی حکیم به نشر بینش باستانی خود همت گمارد.

اما این تعالیم تا زمان شاگرد مکتب او، منسیوس (Mencius؛ حدود ۳۷۲-۲۸۹ ق.م)، گسترش چندانی نیافت. منسیوس نام لاتینی‌شده منگ زه (Meng Zi) است که کمی بیش از صد سال پس از کنفوسیوس دیده به جهان گشود. او پس از نظم بخشیدن به تعالیم کنفوسیوس با سری پرشور به نشر آن پرداخت و با کلامی شیوا از آن سنت دفاع کرد،

و باعث استحکام آموزه‌های آن شد. مفسر و مروج دیگر تعالیم کنفوسیوس در این دوره سون زه (Xun Zi) (حدود ۳۱۳-۲۳۸ ق.م) بود که همچون منسیوس، اما با تفاوت‌هایی در تفسیر سنت کنفوسیوسی، به استحکام آن پرداخت.

این فرزندگان تحت حاکمیت دودمان جوی شرقی (۷۷۱-۲۵۶ ق.م) و در دوره‌ای می‌زیستند که به دوره‌های متنازع (۴۷۹-۲۲۱ ق.م) مشهور است؛ دوره‌ای که در پی جنگ‌های داخلی میان فئودال‌های چین، نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی بسیاری به همراه داشت. این نابسامانی‌ها بستری برای پیدایش اندیشه‌ها و مکاتبی فکری و تعلیمی بود که به دنبال یافتن راهی برای برون‌رفت از آن اوضاع بودند. اندیشه کنفوسیوس و مساعی منسیوس سبب شد تفکر کنفوسیوسی یا کنفوسیانیسم کلاسیک نضج یابد و تعالیمی مبتنی بر منابع کهن برای مواجه با آن دوران به مردم ارائه شود.

دوران دولت‌های متنازع حدوداً دویست سال پس از فرزانه اول، کنفوسیوس، به سر آمد و دولت چین حکومت را در دست گرفت. دودمان چین با نظامی‌گری و وضع قوانین و اجرای سختگیرانه آن و برخورد شدید با مخالفان و حتی کشتن شاگردان مکتب کنفوسیوس و سوزاندن کتب کنفوسیوسی سعی در برقراری نظم داشت. اما کار این دودمان تنها پایان دادن به درگیری‌ها و ایجاد ثبات بود و پس از تحقق نسبی آن، کنار رفته و دودمان هان (Han) (۲۰۶ ق.م-۲۲۰ م) روی کار آمد تا حکومت کند. نخستین امپراتوران دودمان هان چندان توجهی به تفکر کنفوسیوسی نداشتند؛ اما در عصر امپراتور ششم، که تقریباً دوره حکومتش هم‌عصر حضرت مسیح (ع) بود تحت تأثیر فیلسوف چینی دونگ جونگشو (Dong Zhongshu؛ حدوداً ۱۷۹-۱۰۴ ق.م) این تفکر جهان‌بینی رسمی کشور اعلام شد. رسمیت یافتن تفکر کنفوسیوسی فوایدی برای دودمان هان داشت: تسلط آنان بر کشور را توجیه می‌کرد و نظامات دیوانی را نیز سامان می‌بخشید. البته دودمان هان برای انتفاع بیشتر از این تفکر تغییراتی در آن پدید آورد و پیرایه‌هایی بر آن بست. این کار با ارائه شروح و تفاسیری از کتب کلاسیک این مکتب شروع شد. برخی از این شروح در جهت توجیه نظام سیاسی حاکم بود؛ به این معنا که شروح مذکور قرائتی از متون کلاسیک ارائه می‌دادند که سلطه دودمان هان را توجیه می‌کرد و برای آن منشأ الهی متصور می‌شد. همچنین در این دوره مراسم و تشریفات دینی حول تفکر کنفوسیوسی ایجاد شد و آن را از مکتبی فکری به آیینی دینی تبدیل کرد؛ آیینی که

در قلمرو امپراتوری هان و برخی از ممالک شرق آن رواج یافت. اما بعد از این دودمان، توجه به باور و آیین مذکور کمی رو به افول نهاد، تا اینکه سال‌ها بعد در اواخر عهد تانگ، تقریباً مصادف با دوران صدر اسلام، جرقه‌های یک رنسانس در این باور زده شد. اندیشمندان این دوران که گسترش آیین دائو و نفوذ روزافزون آیین بودایی را سبب سست شدن پایه‌های اخلاقی جامعه و حکومت چین می‌دانستند به نقد آن آیین‌ها و احیای اصول کنفوسیوسی دست زدند. در عهد سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹) تجدید حیات در آیین کنفوسیوسی رخ داد، که در غرب، به نوکنفوسیانیسم (نوکنفوسیوس‌گروی) معروف است (آدلر، ۱۳۸۳: ۱۹).

این نوزایی که از جانب برخی روشنفکران آن دوران انجام می‌گرفت تلاشی بود برای احیای فرهنگ کهن چین و بازگرداندن اقتدار فرهنگی با رجوع به منابع کهن کنفوسیوسی. بروز و ظهور اجتماعی این تجدید حیات تشکیل نظام‌های آموزش اداری بود که هر کس می‌خواست در دستگاه دولتی فعالیت کند باید آن را پشت سر می‌گذاشت.

همان‌طور که بیان شد تفکر کنفوسیوسی، که بیشتر حکمتی عملی بود، در دوره هان با تأکید بر آداب و مراسم مذهبی رنگ و بوی یک دین حکومتی به خود گرفت و تبدیل به آیین کنفوسیوسی شد. این آیین، در عهد سونگ، با دین مردم یعنی با تعالیم دائویی و بودایی درافتاد و سعی در کنار زدن آنها داشت؛ از این‌رو، آموزه‌هایی ارائه داد که برای مردم جنبه معنوی داشته باشد و سؤالات مابعدالطبیعی آنان را پاسخ گوید؛ یعنی این آیین پا از توصیه‌های اخلاقی و تربیتی اولیه و آداب و تشریفات دوره هان فراتر نهاد و شالوده‌ای مابعدالطبیعی بی‌افکند و تبیین‌هایی جهان‌شناختی، نظریه‌هایی درباره ذهن، و راهکارهایی برای خودسازی و پرداختن به مراقبه ارائه داد و در جهت رسیدن به آرمان‌های اخلاقی‌اش از این امور سود جست. فرزانه<sup>۱</sup> این دوره جو سی (Zhu Xi؛ ۱۰۳۳-۱۱۰۷م) بود. او با ارائه تفسیرهایی مابعدالطبیعی از عالم، و همچنین تنظیم متون آموزشی و برنامه‌های تعلیمی در تحقق نوکنفوسیوس‌گروی سهمی بسیار داشت.

---

۱. سه شخصیت اصلی در این آیین، کنفوسیوس، منسیوس و جو سی هستند که به ترتیب آنان را فرزانه اول، فرزانه دوم و فرزانه سوم می‌خوانند.

اوایل قرن بیستم، یعنی روزهای آخر امپراتوری چینگ (Qing؛ ۱۶۴۴-۱۹۱۱)، جنبه دینی آیین کنفوسیوسی چنان غلظتی یافت که مقام استاد کونگ کنفوسیوس تا حد برابری با آسمان پیش رفت و حتی به عنوان نماد نیاکان پرستیده شد (اسمارت، ۱۳۸۳: ۳۲۶). البته آیین کنفوسیوسی این دوره، که میراث‌دار آیین کنفوسیوسی حکومتی و همچنین نوکنفوسیوس‌گروی بود، با ضعف امپراتوری وقت آماده می‌شد تا از صحنه اجتماعی و فرهنگی مردم چین رخت بربندد. آیین کنفوسیوسی هر بار که بالنده می‌شد دستش در دست یک امپراتوری قدرتمند بود، اما حال که چین آخرین امپراتور خود را از دست می‌داد آیین کنفوسیوسی نیز آماج حملات افرادی قرار می‌گرفت که می‌گفتند با رفتن نظام امپراتوری آیین کنفوسیوسی نیز باید برود. از این رو، با شروع قرن بیستم متفکران رادیکال آن دوران همچون پیش قراولان مدرنیته شروع به مخالفت با آیین مذکور کردند و آن را مانعی سر راه مدرن‌شدن دانستند، تا اینکه با انقلاب ۱۹۱۱ امپراتور کنار گذاشته شد و با برچیده شدن دستگاه امپراتوری، آیین کنفوسیوسی نیز به نهان‌خانه‌ها رفت (Yao, 2000: 252).

در این دوره جمهوری خواهان سر کار آمدند و نظام‌های دیوانی و تعالیم کنفوسیوسی حاکم بر آنها را منسوخ اعلام کردند؛ اما اوج بی‌اعتباری آیین کنفوسیوسی زمانی اتفاق افتاد که کمونیست‌ها به سرکردگی مائو (۱۸۹۳-۱۹۷۶م) در سال ۱۹۴۹ با شکست جمهوری خواهان، روی کار آمدند. در این دوره بی‌دینی بیش‌تر رسمی چین اعلام شد و معابد و سمبل‌های دینی ویران شدند. ضربه نهایی نیز وقتی به پیکر آیین کنفوسیوسی وارد شد که مائو در سال ۱۹۶۶ اعلام انقلاب فرهنگی کرد. مائو برای توجیه شکست‌های اقتصادی‌اش، گارد سرخی تشکیل داد تا به نام انقلاب فرهنگی با مظاهر کهنگی که مانع رشد و تحول دانسته می‌شدند مبارزه کنند. جالب آنکه آیین کنفوسیوسی را جزء عمده مظاهر کهنگی، و کنفوسیوس را فردی مرتجع و مروج نابرابری‌های اجتماعی دانستند. با مرگ مائو از شدت این مخالفت‌ها کاسته شد. از سال ۱۹۸۰ برخی معابد ادیان احیا شد و جمهوری خلق، آزادی ادیان را به شرط آنکه تبلیغ نشوند به رسمیت شمارد. در این دوره جنبش کوچکی به نام کنفوسیوس‌گروی جدید یا معاصر (New Confucianism) شکل گرفت که سعی در نوسازی این آیین و ارائه قرائتی جدید از آن تعالیم کهن داشت. پیروان و مروجان این مکتب بر آن بودند که آیین و

آیین کنفوسیوسی: نگاهی از فراز / ۱۰۳

خصوصاً تفکر کنفوسیوسی برای نسل امروز در حیطة اخلاق و فلسفه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و باید زمینه را برای شنیدن آن حرف‌ها فراهم کرد. البته نباید از گفتن این نکته فروگذار کرد که مطالب بیان‌شده راجع به تحولات تند و شدید آیین کنفوسیوسی در قرن بیستم، بیشتر مربوط به وضعیت این آیین در چین است و رگه‌هایی از آن که به کره، ژاپن و ویتنام و حتی تایوان و هنگ‌کنگ منتقل شده بود غالباً در جاده سنن قبلی خود حرکت کرده و چنین تحولات سریع و بنیادینی را از سر نگذرانده‌اند (Berthrong, 2000: 21-22).

### ادوار تاریخی آیین و تفکر کنفوسیوسی

جوى شرقى	۷۷۱-۲۲۱ ق م ⇨ دوره کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ ق م) و منسیوس (۳۷۲-۲۸۹ ق م) (کنفوسیانیسم کلاسیک یا تفکر کنفوسیوسی)
چین	۲۲۱-۲۰۶ ق م ⇨ سوزاندن کتب کلاسیک و کشتن شاگردان کنفوسیوس
هان متقدم	۲۰۶ ق م - ۸۸ م ⇨ رسمیت یافتن تفکر کنفوسیوسی (کنفوسیانیسم دینی یا آیین کنفوسیوسی)
هان متاخر	۲۵ تا ۲۲۰ م ⇨ معرفی آیین کنفوسیوسی به ویتنام، کره و ژاپن
شش سلسله (دوره تفرقه)	۲۲۰-۵۸۹ م ⇨ افول آیین کنفوسیوسی
سونى و تانگ	۵۸۱-۹۰۶ م ⇨ تجدید اعتبار تدریجی آیین کنفوسیوسی، نفوذ گسترده‌تر به کره و ژاپن
سونگ	۹۶۰-۱۲۷۹ م ⇨ احیای تفکر و آیین کنفوسیوسی (نوکنفوسیوس‌گروى)
یوان، مینگ و چینگ	۱۲۶۰-۱۹۱۱ م ⇨ اشکال و نظریه‌های مختلف نوکنفوسیوس‌گروى
جمهورى چین	۱۹۱۱-۱۹۴۹ م ⇨ حذف نظام‌های دیوانی و آموزشی کنفوسیوسی
جمهورى خلق چین	۱۹۴۹- م ⇨ بی‌اعتباری آیین کنفوسیوسی در دوره مائو. رواج کنفوسیوس‌گروى جدید با پایان انقلاب فرهنگى (بعد از ۱۹۷۶)

## گستره

کنفوسیوس در شرق چین و نزدیک سواحل دریای چین شرقی می‌زیست. امروزه آن منطقه استان شاندونگ (shantung) نام دارد که نزدیک بندر شانگهای و در جنوب پکن واقع است. ناحیه شرقی کشور چین که بخش سرسبز و حاصلخیز این کشور به حساب می‌آید محل نشو و نمای مکاتب فکری چینی بوده است. مردمان این ناحیه کشاورز بودند و نظام باستانی حاکم بر آن نیز نظام فئودالی بود. کنفوسیوس نیز به چنین جامعه‌ای تعلق داشت و از خانواده‌ای با آداب و منش فئودالی سر برآورده بود. او در تعلیم ارزش‌های جامعه کشاورزی را ارج نهاد. این تعالیم مقبول حاکمان آن نواحی قرار گرفت و بعد از افول نظام فئودالی در دوره دولت‌های متنازع نیز امپراتوران چین به حمایت از این تعالیم برخاسته و به گسترش آن کمک کردند. شاگردان و اخلاف کنفوسیوس تعالیم او را در نواحی شرقی چین و در امتداد دریای زرد و دریای چین گسترش دادند. در دوره‌ای که مصادف با تولد حضرت مسیح(ع) بود این تعالیم از سمت شرق تا کره و بعد ژاپن و از سمت جنوب تا ویتنام گسترش یافت.

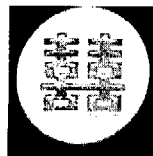
امروزه بیش از شش میلیون نفر در سراسر جهان هستند که خود را کنفوسیوسی می‌نامند (Hoobler, 2004: 6). از این شش میلیون نفر ۲۶ هزار نفر در امریکای شمالی و مابقی همه در آسیای شرقی ساکن‌اند.

تأثیر آیین کنفوسیوسی منحصر به زندگی افرادی که خود را پیروان فعال این آیین می‌دانند نیست. در حقیقت این آیین بیش از دو هزار سال، نظام فکری حاکم بر چین بوده است؛ به همین دلیل بر لایه‌ها، سطوح و وجوه مختلف فرهنگ چین و ماچین تأثیر نهاده است. آیین مذکور غیر از اینکه الگویی برای نظام سیاسی و اخلاقی آن مردمان بوده و سبک زندگی آنان را شکل داده، بر شعر و نقاشی و موسیقی آن ناحیه نیز تأثیری ژرف نهاده است. هرچند ممکن است یک فرد چینی و حتی ژاپنی و کره‌ای و ویتنامی اطلاعاتی دقیق از این آیین نداشته باشد، اما زندگی او بی‌تأثیر از رنگ و بوی آن نیست. اگر پیروان این آیین را کسانی بدانیم که در چین، ژاپن، برمه (میانمار)، تایلند، اندونزی، سنگاپور، تایوان، ویتنام، هنگ‌کنگ و کره به‌نوعی از این آیین تأثیر پذیرفته‌اند و این آیین به نحوی در زندگی دینی و اجتماعی آنان بروز و ظهور یافته است این تعداد به ۳۵۰ میلیون نفر می‌رسد ("Adherents", 2009).



## نمادها و نمودها

نمادی که به‌عنوان آرم این آیین معروف شده و پرچم آن به حساب می‌آید نگاره‌ای است به معنای هماهنگی مطلق، درستی و راستی در زندگی فردی و اجتماعی. البته معنای بیشتر سمبل‌ها یا نمادهای آیین کنفوسیوسی ریشه در باورهای عمومی ادیان چین و عقاید عامه این مردمان دارد. عام‌ترین مفهوم نمادین در عقاید بومی چین مفهوم یین و یانگ است که اشکال مختلف این دو نماد حکایت از مفاهیم گوناگونی در هستی‌شناسی چینی دارد. در اشکال عامیانه این آیین، نماد مذکور را می‌توان در فنون فالگیری و پیشگویی یافت و در اشکال فلسفی آن، در توضیح و تبیین امور و اتفاقات جهان. در معماری اماکن مقدس نیز از اشکال هندسی این نماد استفاده می‌شود.



☰☷



دیگر جنبه ظاهری این آیین لباس آیینی آن است. این لباس که به هانفو (hànfú) شهرت دارد سابقه‌ای کهن داشته و صرفاً مختص آیین کنفوسیوسی نیست. این پوشش در دوره هان فراگیر شد و نام آن (هانفو) نیز به معنای لباس مردمان هان است. کیمونوی (kimono) ژاپن، هانبوک (Hanbok) کره و آئودای (ao dai) ویتنام از این لباس اقتباس شده‌اند. اما هانفو دیگر مورد استفاده عموم چینیان نیست و تنها می‌توان گونه‌ای از این لباس را در مراسم رسمی آیین کنفوسیوسی مشاهده کرد. از آنجا که مرتب و منظم بودن لباس برای کنفوسیوس مهم بود، پوشیدن هانفو را جزء مهمی از برگزاری مراسم و آیین‌ها می‌دانست ("History of Ancient", 2009).

## باورها و ارزش‌ها

باورهای کنفوسیوسی در سه شکل متمایز آن، یعنی در شکل کلاسیک (دوره کنفوسیوس و شاگردان)، شکل دینی (دودمان هان و بعد از آن) و شکل فلسفی (متفکران نوکنفوسیوس‌گرو) تفاوت‌هایی دارد؛ اما در عین توجه به این تفاوت‌ها

می‌توان باورهای نسبتاً مشترکی را به‌عنوان باور کنفوسیوسی ذکر کرد.

بخشی از این باورها صبغه هستی‌شناختی (حکمت نظری) دارند و بخشی صبغه فضیلت‌شناختی (حکمت عملی). در باورهای راست‌گیشانه کنفوسیوسی، خدای متشخص وجود ندارد؛ اما وجودی متعال به نام تیان (Tian)، به معنی آسمان، وجود دارد که قانون و ناموس جهان است و می‌توان آن را یک خدای غیرمتشخص دانست. اراده و مشیت این خدای غیرمتشخص مینگ (ming) یا قضای آسمان خوانده می‌شود که در کنه موجودات سرشته شده است و دائو (dao)، یا طریقت، عمل کردن بر مبنای این سرشت مقدر یا طبیعت فطری است.

نظریهٔ بین (yin) و یانگ (yang) بخش دیگری از هستی‌شناسی این آیین است که می‌توان آن را نظریهٔ خلقت امور دانست. مطابق این نظریه - که پیشینهٔ آن به قبل از کنفوسیوس می‌رسد - در هر پدیده‌ای، دو نیروی متضاد فعال‌اند که خلقت، بقا و نابودی پدیده به نسبت این دو نیرو با یکدیگر بازمی‌گردد. بین نیروی مونث یا مفعول (ساکن، سرد) است و یانگ نیروی مذکر یا فاعل (متحرک، گرم). باورهای دیگری نیز دربارهٔ ماهیت نفس انسان، چگونگی دستیابی‌اش به شناخت و معرفت و چیستی معرفت صحیح، و وجود و ماهیت اشیا وجود دارد که بعداً در دورهٔ متفکران نوکنفوسیوس‌گرو (که به باورهای این آیین جنبهٔ مابعدالطبیعی بخشیدند) اضافه شده‌اند.

از آنجا که کنفوسیوس و شاگردان او آمده بودند تا اعمال مردم را اصلاح کنند و برای «چه باید کرد» آنان جوابی مهیا سازند، بیش از آنکه به هست‌ها پردازند به باید‌ها توجه داشتند و ارزش‌هایی را مطرح ساختند که می‌توان آنها را فضیلت‌شناسی کنفوسیوسی نامید. این ارزش‌ها یا به حوزهٔ اخلاق فردی و تدبیر منزل مربوط می‌شوند یا به حوزهٔ سیاست.<sup>۱</sup> در هر دو حوزه، هدف رسیدن به «هماهنگی و تناسب» (he؛ هه) است. هدف ارزش‌های کنفوسیوسی در حوزهٔ اخلاق، «انسانی آرمانی» (Jūnzi؛ جون زه) و در حوزهٔ سیاست، «جامعهٔ آرمانی» یا آرمان‌شهر است.

۱. البته در حوزهٔ سیاست هم به مباحث اخلاقی پرداخته می‌شود؛ اما از آنجا که بحث دربارهٔ گونه‌ای تفکر اخلاقی کلاسیک است، از تقسیم‌بندی کلاسیک اخلاق در سنت خودمان برای ارائهٔ بحث استفاده کرده‌ایم.

هر فردی برای آنکه به سمت تبدیل شدن به «انسانی آرمانی» حرکت کند، باید دو ارزش را در خود پرورش دهند: ژن (rén) و لی (lǐ). ژن حس همدلی و همدردی با دیگران و ملکه وظیفه‌شناسی است که هر کس باید برای دستیابی به هماهنگی، آن را در دوران خود پیرواورد. ترازو و شاخص بود یا نبود این حس در فرد، جونگ (zhong) و شو (shu) یا قانده طلائی اخلاق است. جونگ جنبه ایجابی این قاعده است؛ یعنی فرد آنچه را برای خود پسندیده است برای دیگران هم پسندد، و شو جنبه سلبی آن است، یعنی فرد آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای دیگران نیز نپسندد. ژن را به انسانیت ترجمه می‌کنیم و لی را به آداب‌دانی؛ اما باید دانست که این دو جدای از هم معنا ندارند. لی آداب‌دانی‌ای است که برخاسته از انسانیت انسان است؛ یعنی لی بازتاب ظاهری همان ژن باطنی است. آداب و مناسک ظاهری اگر بدون ژن انجام شوند، بی‌فایده و حتی مضرند. این آداب شامل شعائر مربوط به آیین نیاکان، آداب تعامل با دیگران (که تحت عنوان آداب ارتباطات پنج‌گانه مطرح می‌شود)، و پرداختن به شعر و موسیقی به شکلی آیینی است (فانگ، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۷).

دستیابی به ارزش‌های کنفوسیوسی در حوزه سیاست با به کار بستن دو آموزه «اصلاح حاکم» و «اصلاح نام‌ها» (Zhèngmíng) محقق می‌شود. جامعه آرمانی تفکر کنفوسیوسی وقتی محقق می‌شود که انسان آرمانی بر جامعه حاکم باشد؛ انسانی که در مطابقت کامل با دو ارزش ژن و لی زندگی کند. در کنار اصلاح حاکم باید نام‌ها و عناوین اجتماعی نیز اصلاح شوند؛ یعنی هر عنوان اجتماعی با واقعیت آن تطابق یابد. به دیگر سخن می‌توان گفت که باید امور و افراد را به گونه‌ای اصلاح کرد که هر کدام شایسته معنای اصلی عنوانشان باشند (همان: ۵۵).

اما غیر از باور به ارزش‌های اخلاقی پیش‌گفته، می‌توان در سلوک شخص کنفوسیوسی معتقد تلاش‌هایی معنوی از این دست را نیز یافت:

۱. بررسی امور و بی‌ثباتی پدیده‌ها برای درک ماهیت آنها؛
۲. کوشش برای درک دائوی امور و قوانین کلی حاکم بر روابط پدیده‌ها؛
۳. تلاش خالصانه برای هماهنگ شدن با دائو؛
۴. تطهیر و تهذیب نفس با کمک گرفتن از ارزش‌های اخلاقی مذکور؛

۵. پرورش دادن وجود خود با استكمال خود معرفتی و خود اخلاقی از طریق به کار بستن نظام کلاسیک تعلیم و تربیت؛
  ۶. تدبیر منزل و تنظیم امور خانواده با تمرین انضباطها و آداب وضع شده، از قبیل احترام به والدین، مواظبت از فرزندان و خواهر و برادر، احترام به خوشاینها و بداینها، اعضای خانواده، و ترک پیش‌داوری درباره آنان؛
  ۷. تلاش برای تحقق حکمرانی مطلوب با فراهم کردن زمینه آموزش و پرورش عمومی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تنظیم سیاست‌ها بر اساس نظر عموم، انتخاب فرد شایسته و باصلاحیت برای اداره امور، اعتدال در تصمیم‌گیری‌ها و دوری از افراط و تفریط.
- در تعالیم این آیین به پنج رابطه اجتماعی توجه ویژه شده است که فرد باید بایسته‌های این روابط را به نحو احسن انجام دهد:
۱. رابطه حاکم و رعیت: خیرخواهی حاکم و وظیفه‌شناسی رعیت؛
  ۲. رابطه پدر و فرزند: مهربانی پدر و فروتنی فرزند؛
  ۳. رابطه زن و شوهر: نیک‌رفتاری شوهر و فرمانبرداری زن؛
  ۴. رابطه برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر: بزرگواری بزرگ‌تر و احترام‌گزاری کوچک‌تر؛
  ۵. رابطه کم‌سن و مسن: شفقت مسن و گذشت کم‌سن.
- به بیان دیگر بین پدر و فرزند باید محبت حاکم باشد؛ بین حاکم و رعیت، وظیفه‌شناسی؛ بین زن و شوهر، رجحان و برتری؛ بین برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر، احترام؛ و بین بزرگسال و کم‌سال، شفقت (Yao, 2000: 212).
- شخص معتقد باید به این پنج ارتباط توجه داشته و به بایسته‌های آن حرمت گذارد، این باورها را خود بیاموزد و به دیگران نیز تعلیم دهد و خیرخواهانه با دیگران رفتار کند.

### آیین‌ها و آداب

مناسک این آیین در ابتدا همان جنبه اجتماعی آداب‌دانی یا لی بود؛ اما در دوره هان و بعد از آن، از آداب اخلاقی فراتر رفت و شامل آیین‌های عبادی و دین‌ورزانه نیز شد. تأکید کنفوسیوس بر داشتن رفتار حسنه با خویشان، والدین و اجداد و همچنین تکریم آسمان باعث شد که کیش کهن نیاپرستی و نیایش‌بردن به درگاه خدای آسمان جانی

دوباره گیرد و در سیر تاریخی این آیین استمرار یابد. حاکمان چین نیز که خود را حافظان فرمان‌های آسمانی می‌دانستند، خصوصاً در دوره هان، به برگزاری این آیین‌ها کمک زیادی کردند. کیش حکومتی‌ای که در دوره هان ایجاد شد و خود را منسوب به تعالیم کنفوسیوس می‌دانست، اعتقاد به رب‌النوع‌ها را احیا و آیین‌هایی را برای پرستش این خدایگان وضع کرد و امپراتور به‌عنوان واسطه فیض، آن آیین‌ها را انجام می‌داد. این مراسم که برای پرستش خورشید و ماه و ارواح زمین و آسمان انجام می‌گرفت، همراه با نثار قربانی در حضور جمعی خاص از صاحب‌منصبان بود. امروزه می‌توان در پکن اماکنی را یافت که سابقاً در آنها این مراسم انجام می‌شده است. در حلقه‌هایی نیز تکریم کنفوسیوس به‌عنوان معلم اول چنان رونق گرفت که علاوه بر ساختن مجسمه او و انجام مراقبه در حضور مجسمه‌اش، قربانی نیز نثارش می‌کردند (چینگ، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲).

نیاپرستی نیز از جمله مراسم کهنی بود که با تأکید کنفوسیوس بر احترام به والدین و خویشان، با مناسک دینی این آیین امتزاج یافت. مناسک نیاپرستی با توجی‌هات کنفوسیوسی آن هنوز هم در کنج برخی خانه‌های چینی، تایوانی و کره‌ای، در محل عبادت اجداد، انجام می‌گیرد. این مراسم که قبل از اعمال ممنوعیت در چین کمونیستی در معابد اجداد و یا در محل دفن آنها نیز انجام می‌شد، معمولاً با نثار نوشیدنی و غذا و ابراز تواضع و احترام به صورت سجده و یا سکوت و مراقبه در مقابل الواحی که نام نیاکان بر آنها نقش بسته و یا در مقابل عکس آنان انجام می‌گیرد (همان: ۱۰۳).

مراسم بلوغ یا جشن تکلیف نیز بین چهارده تا بیست سالگی بر پا می‌شود. به این شکل که والدین معبد یا منزلی را برای اجرای مراسم انتخاب می‌کنند و بعد از شروع مراسم، افراد پشت سر بزرگ خانواده داخل می‌شوند. سپس لباسی تشریفاتی بر تن نوجوان کرده و نامی جدید برای او انتخاب می‌شود. بعد از آن با نثار خیرات، آن فرد به نیاکانش معرفی می‌شود (Hoobler, 2004: 92-93). در امر ازدواج، فرزندان حق انتخاب ندارند و والدین تصمیم گیرنده‌اند. با ازدواج به سبک کنفوسیوسی عروس عملاً جزئی از خانواده داماد می‌شود. پس از انجام مراسم و معرفی عروس به نیاکان خانواده داماد، او با آن خانواده زندگی خواهد کرد و باید به مادر و پدر جدید خود احترام بگذارد و به آنان خدمت کند (Ibid, 93-94).

مراسم تدفین، مراسم تبدیل شدن به «نیا» و رفتن به میان نیاکان است. فرد در گذشته

با این مراسم که تشریفات زیادی دارد به نوعی مقدس می‌گردد و شایسته احترامی می‌شود که مختص اجداد است. این مراسم شامل اعمالی چون تطهیر میت، پوشاندن لباس قبر یا نوعی کفن چند تکه به او، قرار دادنش در تابوت و به خاک سپاردن جسد و تابوت به همراه برخی وسایل و خوارکی‌هاست. دست آخر نیز برای مرده لوحه‌ای ساخته و آن را در محراب نیاکان قرار می‌دهند. تمامی این مراحل باید توسط فرزندان و بازماندگان نزدیک فرد انجام شود تا بتوانند در مراحل گوناگون و در جمع‌های مختلف با او وداع کنند (Paper, 1998: 45-53).

جشن‌ها و اعیاد مردم چین بسیار است اما دو مراسم سالانه که اختصاص به پیروان این آیین دارد و هم‌اکنون نیز انجام می‌شود، یکی روز احترام به نیاکان است، که هر ساله در پنجم آوریل (اواسط فروردین ماه) برگزار می‌شود و دیگری روز معلم است که در ۲۸ سپتامبر (اوایل مهرماه) برگزار می‌گردد.

در مراسم پنجم آوریل به نیاکان غذا پیشکش می‌شود و به شکل آیینی اسکناس می‌سوزانند. این مراسم به طور ضمنی به نسل جوان می‌آموزد که باید برای بزرگان خانواده احترام قائل شوند. در مراسم ۲۸ سپتامبر، که به مناسبت روز تولد کنفوسیوس برگزار می‌شود، نه تنها کنفوسیوس بلکه تمام معلمان تکریم می‌شوند. روز برگزاری این مراسم در تایوان تعطیل ملی است. مردم در این روز به آموزگاران خود از باب قدردانی هدیه یا نامه‌ای قدرشناسانه تقدیم می‌کنند (آدلر، ۱۳۸۳: ۱۹).

اماکن مقدس آیین کنفوسیوسی بیشتر مکان‌هایی هستند که سابقاً مناسک مذکور در آنها انجام می‌شده است. یکی از بزرگ‌ترین اماکن کنفوسیوسی که امپراتور سالانه در آن، برای آسمان و زمین قربانی تقدیم می‌کرده است «معبد آسمان» (Temple of Heaven) متعلق به دودمان مینگ است که در شهر پکن و در پارکی جنب شهر ممنوعه واقع است. این معبد چندین تالار دایره‌ای شکل (نماد زمان) با کاشی‌های آبی (نماد آسمان) دارد که در آنها برای برداشت خوب محصولات نیایش می‌شده است. سه ایوان دایره‌ای نیز در فضای باز برای قربانی کردن روی هم ساخته‌اند و در وسط بالاترین ایوان، مکانی برای تقدیم قربانی امپراتور وجود دارد. این مراسم در یلدای هر سال و با تقدیم گوشت پخته حیوانات انجام می‌گرفته است (همان: ۱۴۳-۱۴۴).

در سنول، پایتخت کره جنوبی، دوبار در سال، یعنی در فوریه و آگوست (بهمن و

مرداد)، مراسمی به افتخار کنفوسیوس برپا می‌شود. این مراسم را در دانشگاه کنفوسیوسی سنونگ یونگ وان (Seonggyungwan) اجرا می‌کنند که تاریخ تاسیس آن به سال ۱۲۸۸ باز می‌گردد (Hoobler, 2004: 86).

شاید بزرگترین معبد کنفوسیوسی، چوفو (Qufu) باشد که در زادگاه کنفوسیوس (استان شاندونگ کنونی) ساخته شده است. در این معبد، ابتدا برای تکریم کنفوسیوس ساخته شده بود، اما بعدها مراسمی آیینی نیز در آن انجام می‌گرفت که طی آن امپراتوران یا گماشتگان آنان به پیشگاه کنفوسیوس (استاد کونگ) قربانی تقدیم می‌کردند. مراسم این معبد در دورهٔ خاندان مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴) وسعت و گسترش زیادی یافت. در شرق این معبد، کاخ خاندان کونگ (The Kong Family Mansion (Kong Fu)) قرار دارد که در آن خاندان او نسل به نسل زندگی کرده و ادارهٔ آن به دست بزرگ‌ترین فرزندان ذکور خانواده بوده است (Ibid: 88-89).

اماکن مقدس و مهم این آیین در نقشهٔ زیر مشخص شده‌اند ("Sacred sites of Confucianism", 2009)



### شرح نقشه

۱. چوفو (در شاندونگ): محل تولد کنفوسیوس؛ مکان زیارتی.
۲. پکینگ (در پکن): معبد آسمان؛ محل برگزاری آیین‌های وابسته به امپراتوری.
۳. کوه تای (Tai).

۴. کوه وو تای؛ این کوه و کوه تای برای سه دین بزرگ، یعنی کنفوسیانیسم و تائوئیسم و بودیسم چینی مقدس است و در این دو کوه مناسک قربانی و نیایش انجام می‌شود.
۵. دانشگاه سنونگ یونگ وان (در سنول)؛ محل نشر تعالیم کنفوسیوسی و تحقیق در آثار این مکتب و تربیت متخصصان این آیین.

### متون و منابع

بیشتر آیین‌ها، عقاید و ارزش‌های کنفوسیوسی پشتوانه‌هایی در منابع کلاسیک یا تفاسیر متأخر آنها دارند؛ از این رو، درک بهتر آنها منوط به آشنایی با این منابع است. این آثار — که دربارهٔ زمان و نحوه نگارش آنها بحث‌های زیادی وجود دارد — معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کتاب‌های پنج‌گانه، که دورهٔ تألیف آنها به زمان کنفوسیوس و قبل از آن نسبت داده می‌شود؛ بیشتر این کتاب‌ها را کنفوسیوس گردآوری و تنظیم کرده و بخش اندکی از آن را خودش نگاشته است. ۲. کتاب‌های چهارگانه که مریدان و پیروان کنفوسیوس گردآورده و نگاشته‌اند و دربردارندهٔ تعالیم کنفوسیوس یا شروح او بر متون کهن پنج‌گانه است (اسمارت، ۱۳۸۳: ۲۵۸).

آثار کلاسیک پنج‌گانه، که گفته می‌شود چهار کتاب اول آن را کنفوسیوس تنظیم و ویرایش کرده و کتاب آخر را خود نگاشته است، عبارت‌اند از:

۱. شو جینگ (*Shu Jing*) یا کتاب تاریخ؛ شامل تاریخ پادشاهان چین در ادوار گذشته و اسناد رسمی دربار سیا، شانگ و جوی متقدم.
  ۲. شی جینگ (*Shi Jing*) یا کتاب شعر؛ شامل سیصد و پنج سرود مقدس از ترانه‌های عاشقانه گرفته تا سرودهای رسمی و آیینی.
  ۳. یی جینگ (*Yi Jing*) یا کتاب تغییرات؛ شامل فلسفه و حکمت دگرگونی‌ها و تغییرات زندگی و همچنین رفتار انسان‌ها.
  ۴. لی جی (*Li Ji*) یا کتاب آداب؛ شامل آداب و رسوم حکومتی، که در اوایل خاندان جو اجرا شده است.
  ۵. چون چیو (*Chun Qiu*) یا سال‌نامه بهار و خزان؛ شامل تاریخ دوران بهار و خزان (۷۲۲-۴۸۱ ق م) که کنفوسیوس در آن دوره می‌زیست.
- این پنج متن به ترتیب دارای بینش تاریخی، شاعرانه، متافیزیکی، اجتماعی و



سیاسی‌اند (شیخ زین‌الدین، ۱۳۷۹: ۳۶).

کتاب‌های چهارگانه تعالیم کنفوسیوس که شاگردان او آنها را گردآوری و تألیف کرده‌اند از قرار ذیل‌اند:

۱. لون یو (*Lun Yu*) یا مکالمات (آنالکت)؛ مجموعه‌ای از سخنان کنفوسیوس که توسط شاگردانش جمع‌آوری شده است؛
  ۲. دا سوئه (*Da Xue*) یا آموزش بزرگ؛
  ۳. جونگ یونگ (*Zhong Yong*) یا آیین اعتدال؛ این کتاب و کتاب قبلی (*دا سوئه*) مجموعه‌ای از سخنان پیشینیان‌اند؛ برخی از این سخنان متعلق به کنفوسیوس و برخی از شاگردان اوست؛
  ۴. منگ زه (*Meng Zi*) یا منسیوس؛ مجموعه‌ای از چند کتاب که احتمالاً آنها را منسیوس نوشته است (Yutang, 1943: 28-29).
- البته این کتاب‌ها در طی قرون دچار دخل و تصرف شده‌اند. خصوصاً گفته می‌شود که بعد از کتاب‌سوزی دوران چین (Qin: ۲۱۰-۲۲۱ ق.م) در هنگام استنساخ و تدوین دوباره این آثار در دوره هان، تغییر و تحولاتی در آنها صورت پذیرفته است (Yao, 2000: 54).

### مذاهب و فرقه‌ها

در آیین کنفوسیوسی، نمی‌توان مانند ادیان سامی دنبال مذاهب و فرقه‌های مختلف بود. ممکن است گفته شود که می‌توان اشکال مختلفی از تفکر و آیین کنفوسیوسی یافت؛ اما باید دانست که این به معنای فرقه‌ها و مذاهب مختلف نیست. این اشکال جلوه‌های گوناگونی‌اند که این آیین در طول حیات خود داشته است؛ جلوه‌هایی چون کنفوسیانیسم کلاسیک، کنفوسیانیسم حکومتی، نئوکنفوسیانیسم و کنفوسیانیسم جدید. در کنفوسیانیسم کلاسیک و نئوکنفوسیانیسم که جنبه فلسفی این آیین پررنگ‌تر است، شاید بتوان سراغ از مکاتب متمایز فکری گرفت؛ اما باز هم باید این نکته را در نظر داشت که مکاتب فکری این آیین مانند مکاتب فکری فلسفه یونان در تقابل با یکدیگر شکل نگرفته‌اند؛ یعنی هرچند تفاوت‌هایی با هم دارند اما این تفاوت‌ها در تضاد با

سخنان پیشینیان نیست بلکه در تکمیل یا توضیح آنهاست. اساساً آیین‌های چینی با تساهل و تسامح شدید، آزادی عملی برای پیروانشان فراهم می‌کنند که بتوانند بدون واهمه از خرده‌گیری هم‌کیشان، زیر چتر مفاهیمی کلی و مشترک، عقاید و اعمال خود را داشته باشند. این نکته باعث شده است حتی در آشکال دینی این آیین نیز جبهه‌گیری‌های گوناگون و تشکیل صف‌های مذهبی در برابر هم وجود نداشته باشد و بنیادگرایی و تعصب‌ورزی موجود در برخی از ادیان در آیین کنفوسیوسی یافت نشود (Bell, 2003: 2).

در تاریخ آیین کنفوسیوسی، نظرات و تعالیمی که در مفاهیم عمده و مسالک اصلی با این آیین تفاوت داشته‌اند، مانند آیین دائو و آیین بودایی، به‌عنوان مکاتب رقیب مطرح بوده‌اند؛ اما رقیب، یا به بیان بهتر دشمن بزرگ این آیین، رفتار تجددگرایان چینی بوده است که در قرن نوزدهم شروع به مخالفت با این سنت کردند.

#### اکنون و آینده

در اوایل قرن بیستم پیروان آیین کنفوسیوسی در شرق آسیا از مناصب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شدند و تأثیر این آیین محدود به دایرهٔ افرادی شد که ذهنشان به طور سنتی با این آیین درگیر بود، خواه همراه با بروز و ظهورات محدود اجتماعی و یا تنها در پس روان آنان. در این دوره، کنفوسیوس فردی مرتجع لقب گرفت و آیین کنفوسیوسی حامی نظام طبقاتی دانسته شد و ارزش‌های آن آماج حملات انقلابیون افراطی و همچنین روشنفکران لیبرال گشت. برای عموم مردم، این اندیشه، اندیشه‌ای ناکارآمد و متعلق به گذشته جلوه کرد. در نتیجهٔ این مسائل، آیین کنفوسیوسی در دوران معاصر با سه مشکل مواجه شد: ۱. نهادهای این آیین در زادگاه کنفوسیوس یعنی خاک چین برچیده شد و شکل نهادی آن فقط در کشورهای دیگری که آیین کنفوسیوسی به آنها راه یافته بود (مثل کره، ژاپن، ویتنام، تایوان و هنگ‌کنگ)، البته به طرز محدودی، ادامه یافت. ۲. محققان و اندیشمندان آیین کنفوسیوسی قدر و قیمت اجتماعی خود را از دست دادند. ۳. مناسک کنفوسیوسی جنبهٔ معنوی خود را از دست داد و اگر در گوشه و کناری نیز انجام می‌گرفت، به آن به‌عنوان رسمی کهن نگریسته می‌شد (Hoobler, 2004: 15-16).

هرچند به این آیین در دوران معاصر جفا شد، اما باید اذعان داشت که بیشتر مناسک و مراسم کنفوسیوسی، مختص دوره‌های خاص تاریخی با اقتضائات اجتماعی آن ادوار بودند؛ پس محتمل است که تاریخ انقضایی داشته باشند. با وجود این، آیین کنفوسیوسی قابلیت آن را داشت که دستمایه برداشت‌هایی جدید قرار گیرد. سابقاً گزارش‌هایی که یسوعیان از این سنت داده بودند در قرن ۱۷ و ۱۸ به مزاج روشنفکران اروپایی خوش آمده بود و از آنها برای تأکید بر ارزش‌های مطلوبشان استفاده می‌کردند؛ مثلاً از سخنان کنفوسیوس و تعالیم سیاسی این آیین برای تأیید اصول دموکراسی بهره می‌جستند. در بحث آموزش و پرورش نوین نیز از نظام آموزشی کنفوسیوسی الهام‌گیری شد. هرچند این الهامات برداشت‌هایی موردی از این آیین برای تأیید روش‌های جدید اداره جوامع بودند، اما برخی از غربیان چنین اعتقاد دارند که آموزه‌های سیاسی آیین و تفکر کنفوسیوسی پایه و اساس دموکراسی در اروپا و امریکا بوده است (کریل، ۱۳۸۰: ۲۸۷-۲۸۸).

این گونه برداشت‌ها از دهه هفتاد به این طرف طرفداران پروپاقرصی در میان متفکران خاوردور نیز یافته است. اینان معتقدند که آیین مذکور حرف‌های زیادی برای جوامع لیبرال‌دموکرات دارد. این افراد که از نسل بعد از انقلاب کمونیستی‌اند، در چین و تایوان و کره و در اروپا و امریکا به احیای این سنت پرداخته و برخی محققان غربی را نیز با خود همراه کرده‌اند. البته این تلاش‌ها بیشتر مربوط به احیای نظریه‌های کنفوسیوسی‌اند تا آیین‌های آن و غالباً شکل ایدئولوژیک دارند (Hall, 1987: 327).

اینکه آیا این تلاش‌ها در آینده راه به جایی خواهند برد و آیا این سنت احیا خواهد شد یا خیر و اگر احیا شود چه شکلی از آن احیا خواهد شد، محل بحث است؛ اما به اجمال می‌توان گفت که پدیده آیین کنفوسیوسی امروزه به آشکال زیر پدیدار است: به شکل بناهای تاریخی و کتب کلاسیک این آیین؛ به شکل نمادهای ملی و باستانی که برای جلب توریست از آنها استفاده می‌شود؛ به شکل آداب و رسومی ملی و قومی که در قالب جشن‌های آیینی در کره و تایوان و هنگ‌کنگ اجرا می‌شود؛ به شکل باورها و رفتارهای عامیانه‌ای که در ناخودآگاه مردمان شرق چین همچون DNA فرهنگی وجود دارد؛ و به شکل ایده‌های به‌روز شده و لباس‌نویافته، که ادعا می‌شود ارمغان سنت کنفوسیوسی برای جامعه مدرن هستند (Berthrong, 2000: 22).

### کتاب‌نامه

- آدلر، جوزف (۱۳۸۳)، *دنیای چینی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- اسمارت، نینیان (۱۳۸۳)، *تجربه دینی بشر*، جلد اول، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: سمت.
- چینگ، جولیا (۱۳۸۳)، *ادیان چین*، مترجم حمید رضا ارشدی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- چو جای، وینبرگ چای (۱۳۸۶)، *تاریخ فلسفه چین*، ترجمه پاشایی، چاپ اول ناشر، تهران: نگاه معاصر.
- شیخ زین‌الدین، غلامرضا (۱۳۷۹)، *آیین‌های کنفوسیوس*، دانش و بودا [گردآوری و ترجمه مقالات بریتانیکا]، تهران: فیروزه.
- فانگ، یولان (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه چین*، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: نشر فرزاد روز.
- کریل، هرلی گلستر (۱۳۸۰)، *کنفوسیوس و طریقه چینی*، ترجمه گیتی وزیری، تهران: سروش.
- Bell, Daniel & Chaibang Hahm (2003), *Confucianism For The modern world*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Berthrong, John & Evelyn (2000), *Confucianism: A Short Introdoction*, Oxford: oneworld Publications.
- Ching, Julia, (1993), *Chinese Religions*, London: Macmillan Press.
- Hall, David & Roger Ames (1987), *Thinking Through Confucius*, New York: State University of New York: Press.
- Hoolber, Dorothy & Thomas (2004), *Confucianism: World Religions*, First Updated Edition New York: Facts on File, Inc.
- Paper, Jordan & Laurence G. Thompsun (1998), *The Chinese way in Religion*, second Edition, Belmont: Wadsworth Publishing Company.
- Smart, Ninian (1998), *The World's Religions*, Second Edition, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Yao, Xinzhong, (2000), *An introduction to Confucianism*, New York: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (2003), *RoutledgeCurzon Encyclopedia of Confucianism*, vol.1, London and Newyork: Routledge Curzon.
- Yutang, Lin (1943), *The Wisdom of Confucius*, New York: Random House.
- "History of Ancient Tracitional Chinese Clothing" (2009), Retrieved march 29, 2009, from <http://www.library.thinkquest.org/.../clothing/history.htm>
- "sacred sites of Confucianism" (2009), Retrieved march 29, 2009, from <http://www.religion-cults.com/Eastern/Confucianism/confuci.htm>
- "Adherents" (2009), Retrieved march 29, 2009, from [http://www.adherents.com/Na/Na\\_242.html](http://www.adherents.com/Na/Na_242.html)